

Analyzing Rāghib Iṣfahānī's Point of View about "The Permissibility of Implying Multiple Meanings from the Words of the Qur'an"

**Sayyid Mahmoud Tayyib Husayni¹
Hamidreza Rezaei²**

Abstract

The belief in implying multiple meanings from the words of the Qur'an, which is interpreted as the permission to intend multiple meanings from a single word, has long been of interest to writers and legal theoreticians (*uṣūlīs*), and is one of the discourses of the principles of jurisprudence studies. Rāghib Iṣfahānī is one of the first interpreters who has discussed it as one of the principles and rules of interpretation and spoke about its fundamentals, conditions, types and reasons. The present article, with a descriptive-analytical method, is intended to explain Rāghib Iṣfahānī's point of view regarding this issue in the Qur'an. The achievement of this research is that, according to Rāghib, the existence of multiple meanings - not examples -, the relation between various meanings, inner meanings (longitudinal), and the special characteristics of the speaker and the audience, are among the principles of the permissibility of implying multiple meanings from a single word; and the lack of conflict between the meanings and the existence of a comprehensive meaning among multiple meanings are among its conditions. Also, the multiple denotations of the words of the Qur'an in the field of single, dual, and plural words, word structure, phrase and sentence, in negative and positive contexts, and in external and internal meanings, are among its variations. In order to prove this issue, Rāghib has referred as evidence to the support of linguistic evidence, verses of the Qur'an and narrations about the inner aspect of the Qur'an.

Keywords: Rāghib Iṣfahānī, multiple denotations, implying multi-meanings from a word, multi-meaning implication of a word, introduction of *Jāmi' al-Tafāsīr*.

1. (Corresponding Author) Professor, Qur'an Studies Department, Hawza and University Research Institute.

2. Ph.D. Student, Qum Islamic Ma'aref University.



تحلیل دیدگاه راغب اصفهانی درباره «جواز اراده چندمعنا از واژه‌های قرآن»*

سید محمود طیب حسینی^۱

حمیدرضا رضایی^۲

چکیده:

باور به دریافت معانی متعدد از الفاظ قرآن، که از آن به جواز اراده چندمعنا از یک لفظ تعبیر می‌شود، از دیرباز مورد توجه مفسران، ادیبان و اصولیان بوده و از مباحث دانش اصول فقه است. راغب اصفهانی از نخستین مفسرانی است که آن را به عنوان یکی از اصول و قواعد تفسیر به بحث گذاشته و از مبانی، شرایط، گونه‌ها و دلایل آن سخن گفته است. مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی، در صدد تبیین دیدگاه راغب اصفهانی در رابطه با این مسأله در قرآن است. دستاورد این پژوهش آن است که از نظر راغب، وجود تعدد معنا - نه مصداق -، ارتباط میان معانی متعدد، معانی باطنی (طولی) و ویژگی‌های خاص گوینده و مخاطب، از مبانی جواز اراده چندمعنا از لفظ واحد؛ و عدم تعارض میان معانی و وجود معنای جامع میان معانی متعدد از شرایط آن است. همچنین دلالت چندگانه کلمات قرآن در حوزه الفاظ مفرد، تثنیه و جمع، هیأت (ساختار) کلمه، عبارت و جمله، در سیاق‌های منفی و مثبت، و در معانی ظاهری و باطنی، از گونه‌های آن می‌باشد. راغب برای اثبات این مسأله، به پشتیبانی شواهد زبانی، آیات قرآن و روایات باطن داشتن قرآن استدلال کرده است.

کلیدواژه‌ها:

راغب اصفهانی، دلالت چندگانه، اراده چندمعنا از یک عبارت، برداشت چندمعنا از یک لفظ، مقدمه جامع التفاسیر.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2023.67156.3842

tayebh@rihu.ac.ir

hamidrezaei@rihu.ac.ir

۱- استاد گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسؤول)

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی قم

قرآن کتاب الهی است که برای هدایت بشر نازل شده و بهره‌مندی از هدایت آن مبتنی بر فهم آن است. اما از آنجا که قرآن با این حجم کم برای هدایت همه انسان‌ها با نیازهای مختلف تا همیشه تاریخ نازل شده، دانسته می‌شود که قرآن کریم دارای ظرفیت معنایی وسیعی است و به تعبیر امام سجاد (علیه السلام)، هر آیه از قرآن به مانند یک خزانه پر از گنج است. (کلینی، بی تا: ۶۰۹/۲، ح ۲) اعتقاد به وحیانی بودن قرآن کریم سبب شده بسیاری از مفسران در تفسیر کلمات قرآن، به معانی‌ای فراتر از معانی متداول بیندیشند. وجود بیش از یک معنا برای واژه‌ها و عبارات قرآن همواره مورد توجه مفسران بوده است. این ویژگی منحصر به قرآن کریم نبوده و در سایر کتاب‌های دینی، همچون عهد عتیق و جدید نیز شاهد به‌کارگیری روش‌ها و مدل‌های چندمعنایی در تفسیر آنها هستیم. (شاکر، ۱۳۹۸: ۶) برخی قرآن‌پژوهان از این ویژگی قرآن به اعجاز آن یاد کرده‌اند. (نهی‌رات و محمدیان، ۱۳۹۲: ۱۲۰) همین ظرفیت معارفی قرآن، عامل گرایش دانشمندان هر زمان به تلاش برای فهم جدیدی از آیات قرآن می‌باشد. راغب اصفهانی از جمله مفسرانی است که پیش و بیش از دیگران به این جنبه از دلالت قرآن توجه کرده و به‌صراحت در مقدمه جامع‌التفاسیر خود اذعان کرده که به‌دنبال نوآوری و تبیین دیدگاه پیشینیان و پرده‌برداری از رازگفته‌های آنان است. (راغب، ۱۴۰۵: ۱)

حسین بن محمد، معروف به راغب اصفهانی، از برجسته‌ترین قرآن‌پژوهان قرن چهارم و پنجم قمری بوده است. از زندگی و وفات وی اطلاع دقیقی در دست نیست. در شهر اصفهان دیده به جهان گشود و پس از بهره بردن از اساتید آن دیار، برای تکمیل دانش خود، راهی بزرگ‌ترین مرکز علمی آن روزگار، بغداد شد. راغب احتمالاً در اوایل قرن پنجم از دنیا رفته است. (احمدنژاد: ۱۳۹۴: ۸-۱۱) او در مباحث کلامی و تفسیری دارای رویکرد اعتدالی و تقریبی بوده و اگر او را شیعه ندانیم، اما به فضای فکری و فرهنگی شیعه نزدیک بوده است. بیش از ۲۵ اثر به راغب نسبت داده‌اند که از میان آنها، این آثار قرآنی است: ۱- مفردات الفاظ القرآن، ۲- ذرّة التأویل و غرّة التنزیل، در موضوع آیات مکرر و متشابه (شبيه به هم) قرآن، ۳- رسالة منبهة علی فوائد القرآن، در موضوع قواعد دال بر مناسبات میان الفاظ، ۴- تحقیق الالفاظ المترادفة علی المعنی الواحد، ۵- جامع‌التفاسیر، در برخی از منابع از آن با نام التفسیر الکبیر یاد شده و نسخه خطی بخش‌های ناقصی از آن در برخی موزه‌ها و کتابخانه‌ها کشورهای عربی موجود است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۵: ۷)



مقدمه محقق، ۱۶-۲۲) اما مقدمه آن که درباره اصول تفسیر است، موجود بوده و نخستین بار در سال ۱۳۲۹ق، بدون هیچ تحقیق و تصحیحی، ذیل کتاب *تنزیه القرآن عن المطاعن* قاضی عبدالجبار معتزلی منتشر شد، سپس این مقدمه همراه با تفسیر سوره حمد و ۵ آیه نخست سوره بقره، با تصحیح و تحقیق احمد حسن فرحات، توسط دارالدعوه کشور کویت به صورت مستقل منتشر شده است. راغب در این مقدمه اش از مجموعه ای از مباحث مقدماتی تفسیر، که معمولاً از آن به اصول (مبانی و قواعد) تفسیر یاد می شود، بحث کرده است.

این مفسر پرآوازه، علاوه بر مقدمه *جامع التفاسیر*، در سایر آثار قرآنی اش، هر جا واژه یا عبارتی دارای معانی متعدد بوده، در صورت عدم قرینه بر مرادبودن یکی از معانی، همه آنها را مراد خداوند دانسته است.

هدف پژوهش حاضر، تبیین دیدگاه راغب از مسأله جواز اراده چندمعنا از الفاظ قرآن و استخراج مبانی، شرایط، گونه ها و دلایل جواز یا وجوب آن از منظر راغب است. مقصود از «جواز اراده چندمعنا از الفاظ قرآن» آن است که از پاره ای از الفاظ و عبارات قرآن بتوان چند معنا و تفسیر متفاوت مبتنی بر قواعد زبانی برداشت کرده، همه آنها را صحیح و مراد خداوند به شمار آورد. (طیب حسینی، ۱۳۸۹: ۲۴؛ شاکر، ۱۳۸۹: ۹) بر این اساس، پژوهش حاضر در صدد است به این پرسش ها پاسخ دهد:

۱- از نظر راغب، اراده معانی متعدد از الفاظ و عبارت واحد قرآن بر کدام مبانی استوار است؟

۲- راغب جواز اراده معانی متعدد از الفاظ واحد قرآن را مبتنی بر تحقق کدام شرایط می داند؟

۳- راغب چه گونه هایی از اراده معانی متعدد از الفاظ واحد را جایز شمرده است؟

۴- چه دلایلی دیدگاه راغب مبنی بر جواز اراده چندمعنا از الفاظ واحد را پشتیبانی می کند؟

پیشینه

در باب چندمعنایی در قرآن کریم به معنای مورد بحث در این مقاله، آثار و مقالاتی چند انتشار یافته است. اما تاکنون دیدگاه راغب اصفهانی که از پیشگامان طرح این مسأله به عنوان یکی از اصول و قواعد تفسیر قرآن در اوایل قرآن پنجم بوده، بررسی نشده است.

آثار مرتبط با موضوع این مقاله عبارت‌اند از: ۱- مدل‌های چندمعنایی در تفسیر قرآن و کتاب مقدس، از محمدکاظم شاکر (۱۳۸۷)، ۲- نقد و بررسی دیدگاه‌های چندمعنایی آیات قرآن کریم، از سیدجعفر صادقی فدکی (۱۳۹۰)، ۳- نگرشی به نظام چندمعنایی در قرآن کریم، از احمد نهیرات و عباد محمدیان، ۴- واژگان چندمعنا و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم، از محمود و علی اصغر شهبازی (۱۳۹۳)، ۵- بررسی ادله موافقان و مخالفان چندمعنایی در قرآن کریم، از احد پونا و نسرين حسن‌زاده (۱۳۹۶)، ۶- بررسی چندمعنایی واژگان قرآن کریم بر مبنای رویکرد معناشناسی واژگانی شناختی، از علی اصغر امدادی، ابراهیم بدخشان و مسعود دهقان (۱۴۰۰)، ۷- واکاوی چندمعنایی واژگانی و نحوی در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، از آسیه ذوعلم و علی حاجی‌خانی (۱۴۰۰).

بررسی دیدگاه راغب اصفهانی درباره چندمعنایی از آن‌رو اهمیت مضاعف دارد که وی نخستین مفسری است که به‌طور جامع، موضوع چندمعنایی را به‌عنوان یک مبنا و قاعده در تفسیر قرآن مطرح کرده و ابعاد مختلف آن را به بحث گذاشته است. وی در مقدمه کتاب جامع التفسیر خود، فصلی با عنوان «فی جواز ارادة المعنيين المختلفين بعبارة واحدة» گشوده و درباره امکان و ضرورت تفسیر برخی کلمات و عبارات قرآن به چندمعنا، دیدگاهی مثبت و نسبتاً جامع ابراز داشته است.

۱. مبانی چندمعنایی

مسئله چندمعنایی یا اراده چندمعنا از یک لفظ بر مبنای ای استوار است که بر مفسر لازم است پیش از حمل آیات قرآن بر چند معنا، نخست این مبانی را به بحث گذاشته و موضع خود را روشن سازد. مبانی چندمعنایی را می‌توان در چهار بخش مبانی فلسفی، کلامی، زبان‌شناختی و هرمنوتیکی به بحث گذاشت که در این مقاله، مجالی برای طرح گسترده آن نیست. از میان مبانی چندمعنایی، موارد زیر از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۱- وجود معانی متعدد برای یک واژه در زبان مورد بحث، تا بتوان اراده چندمعنا از یک لفظ را فرض کرد. (طیب‌حسینی، ۱۳۸۹: ۷۳-۱۴۷) زبان‌شناسان و دانشمندان اصول فقه در بحث تعدد معانی، میان معانی حقیقی و مجازی تفاوت نگذاشته‌اند، بنابراین تفاوتی نمی‌کند که در اراده چندمعنا از یک عبارت، همه آن معانی حقیقی باشند یا مجازی، و یا برخی حقیقی و برخی دیگر مجازی.



۲- وجود معیار مشخص برای تعدد معنا؛ مثلاً اینکه ملاک تعدد معنا آیا فقط اختلاف مفهوم ذهنی است، یا شامل مصادیق متعدد هم می‌شود؟ یا اینکه آیا در تعدد معنا شرط است که معانی متعدد همه از مقوله معنای مطابقی باشد، یا شامل معنای التزامی هم می‌شود؟ مثلاً اگر عبارتی مانند «و ثِيَابَكَ فَطَهَّرَ» (مدثر: ۴)، به تطهیر کردن لباس (مطابقی) و کوتاه کردن لباس (التزامی) تفسیر شود، می‌توان آن را از مقوله چندمعنایی به‌شمار آورد یا نه؟ یا اینکه معانی طولی آیات مشمول چندمعنایی می‌شود یا نه؟ مثلاً اگر عبارت «لا تعبدوا...» را به معنای ای چون نهی از عبادت بتان سنگی و چوبی (معنای ظاهری)، و نهی از ریا و نهی از تبعیت از هوای نفس (معنای باطنی)، که در طول هم قرار دارند تفسیر کنیم، از مصادیق چندمعنایی می‌باشد یا نه؟ (برای آگاهی از برخی دیدگاه‌ها درباره این مبانی نک: واعظی، ۱۳۹۰: ۱۲۷ و ۱۳۹-۱۴۱) در خصوص مبنای فلسفی امکان یا عدم امکان تعلق اراده به چند معنا به‌طور همزمان، باید گفت همان‌طور که صاحب‌کفایه نیز گرایش یافته، چنین به‌نظر می‌رسد که از نظر عقلی و فلسفی، امکان ندارد در آن واحد، یک اراده به دو معنای مستقل تعلق بگیرد؛ زیرا نفس آدمی زمانی که در ذهن خود به چیزی توجه کند، قادر نخواهد بود در همان زمان به چیز دیگری مغایر و متفاوت به آن توجه کند. (بروجردی، ۱۳۶۴: ۱۰۷؛ واعظی، ۱۳۹۰: ۱۲۷)

۳- آیا در امکان یا عدم امکان اراده بیش از یک معنا از عبارت واحد، میان خداوند با انسان‌ها تفاوت وجود دارد یا نه؟ به عبارت دیگر، آیا محدودیت‌های بشری در مورد خداوند هم جاری است؟ همچنین در فهم متن قرآن، آیا همه مخاطبان -مثلاً پیامبر و مردم عادی- یکسان‌اند، یا میان آنها تفاوت وجود دارد؟

۲. مبانی چندمعنایی از دیدگاه راغب

راغب در مقدمه جامع التفسیر و زیر عنوان‌های مختلف، به برخی از مبانی چندمعنایی توجه کرده است. وی در آغاز مقدمه، با اشاره به اقسام رابطه لفظ با معنا، برخلاف قدما که برای این رابطه سه قسم فرض می‌کردند، پنج قسم یاد کرده است. از نظر سیبویه (منجد، ۱۴۱۹: ۲۹)، در کلام عرب، یا دو لفظ مختلف در دو معنای مختلف به‌کار می‌رود (متباینین)، یا دو لفظ مختلف در معنای واحد به‌کار می‌رود (ترادف)، و یا دو لفظ موافق در دو معنای مختلف به‌کار می‌رود (مشترک). راغب بر این سه قسم، دو قسم دیگر افزوده است: ۱- دو واژه در تلفظ یکسان و دارای یک معنا باشند. وی نام آن را متواطی گذاشته

است؛ مانند کاربرد واژه انسان در مورد زید، عمرو که یک لفظ مشترکاً درباره افراد زیاد به کار رفته و معنای واحدی دارد. ۲- در لفظ در پاره‌ای حروف و در بخشی از معنا مشترک باشند، مانند «ضارب» و «ضرب». وی نام این قسم را مشتق گذاشته است. (راغب، ۱۴۰۵: ۲۹)

به نظر راغب، از این پنج قسم در دو مورد ممکن است اشتباه شود: ۱- الفاظ مشترک با الفاظ متواطی ممکن است با یکدیگر اشتباه شوند؛ زیرا در الفاظ متواطی، ما با معنای واحد و تعدد مصداق روبه‌رو هستیم، مانند انسان و مصادیقش، و در مشترک، یک لفظ داریم با معانی متعدد. ۲. در مشتق نیز ممکن است درباره ریشه برخی کلمات و اینکه از چه مشتق شده‌اند، اشتباه پیش آید. مثلاً در «نبی» و «بریه» اختلاف است. ممکن است از «نبأ» و «برأ» مشتق باشند، اما بعضی گفته‌اند نبی از «نبوة» به معنای تپه، و بریه از «بری» به معنای خاک مشتق شده‌اند. (همان)

راغب در فصل مستقل دیگری از مقدمه‌اش، با موضوع وجوه مختلف مشترک لفظی، مقصود خود از مشترک لفظی را به خوبی نمایانده است. وی برخلاف اصولیان که مشترک لفظی را واژه‌ای می‌دانند که برای معانی متعدد به صورت مستقل وضع شده و میان آنها رابطه مجاز نباشد (فخر رازی، ۱۴۱۲: ۳۵۹/۱؛ زرکشی، ۱۴۱۴: ۴۸۸/۱؛ سیوطی، (بی تا): ۳۹۲/۱)، صرف تعدد معانی را نشانه مشترک لفظی دانسته است که شامل معانی متعدد دارای وضع مستقل، معانی منقول، معانی مجازی (استعاره)، معانی کنایی و ... می‌شود. بنابراین معیار تعدد معنا از نظر راغب، مقوله وضع نمی‌باشد و همه اقسام تعدد معنا را ذیل مشترک لفظی و چندمعنایی جمع کرده است. (راغب، ۱۴۰۵: ۳۳-۳۶) بنا بر نظر راغب، تعدد مصداق مربوط به الفاظ متواطی مثل انسان است که دارای مصادیق عینی خارجی است و از دایره چندمعنایی خارج است. اما اگر واژه‌ای چند معنا داشت، اگرچه آن معانی متعدد، خود مصداقی از معنای جامع‌تر باشند، از مصادیق چندمعنایی خواهد بود؛ مثل واژه «فتنه» به معنای آزمایش، آشوب، بیماری، سوختن و ... (سیوطی، ۱۴۲۱: ۴۴/۱)

در اینکه آیا معانی طولی از مصادیق چندمعنا می‌باشد یا نه، اختلاف نظر است. برخی مفسران معاصر، معانی باطنی را در کنار معانی ظاهری، از مصادیق چندمعنا می‌شمارند. (مکارم، ۱۴۱۶: ۱۴۶/۱؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۸/۱) اما راغب گرچه صریحاً در این باره اظهار نظر نکرده، اما وی معانی باطنی قرآن را از جمله مصادیق چندمعنایی شمرده و روایات دال بر اشمال قرآن بر معانی باطنی را از جمله دلایل چندمعنایی شمرده است



(راغب، ۱۴۰۵: ۱۰۱) این دیدگاه راغب برخلاف دیدگاه مفسرانی چون علامه طباطبایی است که معانی طولی-باطنی قرآن را از مرادهای الهی دانسته و بیگانه از چندمعنایی شمرده‌اند. علامه می‌نویسد: «قرآن دارای مراتب معنایی طولی است، بی‌آنکه همه این معانی در عرض هم قرار گیرد تا استعمال لفظ در بیش از یک معنا یا عموم مجاز لازم آید. این معانی طولی از قبیل لوازم متعدد برای ملزوم واحد نیز نیستند، بلکه همه آن معانی طولی مدلول مطابقی لفظ هستند که آن لفظ بر همه آنها به حسب مراتب فهم افراد دلالت می‌کند.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۴/۳)

یکی از مبانی چندمعنایی با ویژگی‌های گوینده و شنونده (مخاطب و مخاطب) سخن در ارتباط است. راغب در این باره نیز سخنی دقیق و نیکو دارد که می‌تواند ناظر به مبنای وی در چندمعنایی کلمات قرآن تلقی شود. وی در فصلی با عنوان «فی الآفات المانعة من فهم المخاطب مراد المخاطب»، یکی از آفات فهم درست سخن را مربوط به شنونده (مخاطب) و یکی را مربوط به گوینده (مخاطب) سخن دانسته می‌نویسد: «آسیب‌های مانع از فهم سه تاست: نخستین آفت مربوط به اصل سخن است و دوم مربوط به گوینده و سوم مربوط به شنونده است... اما آسیب مربوط به گوینده به جهت ضعف تصور وی نسبت به محتوای سخن، یا مربوط به نارسایی الفاظ و عبارت است، در هر صورت خطاب‌های خداوند از هر گونه آسیب در این حوزه پیراسته است. آسیب مربوط به شنونده نیز یا به جهت کندذهنی وی و یا به جهت عدم تمرکز وی و اشتغال به امور دیگری است که او را از فهم متن باز داشته است. این آسیب گرچه در بسیاری از مخاطبان قرآن وجود دارد، اما امکان ندارد که همه مخاطبان قرآن به این آسیب مبتلا باشند؛ زیرا عقلاً بعید است که هیچ یک از مخاطبان قرآن، آن را نفهمند.» (راغب، ۱۴۰۵: ۳۹) این سخن راغب گرچه نسبت به مطلق فهم قرآن بیان شده، اما نشان‌دهنده نگرش وی در مسأله اراده چندمعنا با یک عبارت و لفظ قرآن است و بر پایه آن می‌توان پاره‌ای از الفاظ قرآن کریم را به چند معنای صحیح و مراد خداوند تفسیر کرد، به‌ویژه آنکه مفسر قرآن، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام باشند که به همه معانی و اسرار و رموز قرآن آگاهی کامل دارند. نتیجه آنکه از نظر راغب، با فرض عدم امکان اراده چندمعنا از یک لفظ، این محدودیت مربوط به نوع بشر است و خدای متعال و مخاطبان خاص قرآن، یعنی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام، از محدودیت یادشده مستثنا بوده، می‌توانند بسیاری از الفاظ و عبارات قرآن را به چند معنا تفسیر کنند.

از نظر زبان‌شناسی نیز، یک مطالعه سطحی درباره زبان، ازجمله زبان عربی نشان می‌دهد که بیشتر کلمات آن در معانی متعدد و مختلف به کار می‌روند (سیوطی، بی‌تا: ۳۷۰/۱)، و در زبان شعر و ادب نیز دلالت‌های چندمعنا و چندگانه در قالب‌های ایهام و استخدام و ... فراوان است. (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۱۱-۱۱۷ و ۲۰۷-۲۱۲)

۳. شرایط جواز چندمعنایی از نظر راغب

جواز دلالت یک واژه یا عبارت بر چند معنا بی‌قاعده نبوده و چنین نیست که هر عبارتی که احتمال معانی متعدد در مورد آن وجود داشته باشد، بتوان آن واژه یا عبارت را به چند معنا تفسیر کرد. از مطالب راغب به دست می‌آید که چندمعنایی در کلمات قرآن دارای شرایطی است، ازجمله:

۳-۱. سازگاری معانی با یکدیگر

نخستین شرط جواز تفسیر یک واژه یا عبارت قرآنی، به سازگاری معانی متعدد با یکدیگر است؛ به گونه‌ای که ذاتاً و عقلاً میان معانی تنافی و ناسازگاری نبوده و امکان جمع آنها در یک عبارت وجود داشته باشد. وی می‌نویسد: «عبارتی که به صورت مشترک برای دو معنای مختلف وضع شده، خواه هر دو معنایش حقیقی باشد یا یکی مجازی و دیگری حقیقی، زمانی که جمع هر دو معنا ناسازگار باشد، صحیح نیست که گوینده با یک عبارت هر دو معنا را اراده کند. مثل اینکه گوینده بگوید «صَلِّ صَلَاةً وَاحِدَةً» و از صَلَاةً واحد، هم نماز واجب و هم نماز مستحب را اراده کند. اما هنگامی که جمع دو معنا سازگار باشد، گوینده می‌تواند با یک عبارت، هر دو معنا را اراده کند؛ مانند اراده همزمان دو معنای مسِّ با دست و آمیزش از واژه «لمس»». (راغب، ۱۴۰۵: ۹۸)

توضیح آنکه در آیه «أَوَلَمْ تَسْئَلُوا النَّسَاءَ فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً» (نساء: ۴۳)، لمس زنان غسل، و در صورت نبود آب، تیمم را واجب می‌گرداند. حال به اجماع نظر فقهای مذاهب مختلف، لمس کنایه از آمیزش جنسی است که موجب وجوب غسل می‌شود. اما برخی مفسران صحابه و تابعان و فقهای مذاهب اهل سنت، بوسیدن زن و لمس زن با دست را نیز با استناد به این آیه، موجب باطل شدن وضو دانسته‌اند. این دیدگاه فقهی مبتنی بر تفسیر آیه شریفه به دو معنای کنایی (آمیزش) و ظاهری لمس (بوسیدن، لمس با دست) است.^۳ (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۲۳/۵؛ کیه‌راسی، ۱۴۲۲: ۴۶۳/۲؛ ابن العربی، ۱۴۰۸: ۴۴۴/۱)



مطابق دیدگاه فقهای شیعه مبتنی بر روایات اهل بیت (علیهم السلام)، «لامستم» در این آیه کنایه از جماع بوده و قابل حمل بر دو یا سه معنایش نیست. (طوسی، بی تا: ۲۲/۱، ۶۱۲۲/۷؛ عیاشی، ۱۴۱۱: ۲۴۳/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۲/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵۴/۱)

۲-۳. وجود معنای عام جامع معانی مختلف واژه یا عبارت

در تاریخ اصول فقه، به ندرت دانشمندان موافق یا مخالف چندمعنایی به این شرط توجه کرده‌اند و تنها برخی معاصران، چندمعنایی را در شرایطی جایز دانسته‌اند که معانی متعدد واژه در یک معنای جامع مشترک باشند. (معرفت، ۱۳۸۰: ۹۸/۱؛ بابایی، ۱۳۹۴: ۱۰۴) اما پیش از همه، راغب اصفهانی برای جواز چندمعنایی این شرط را بیان داشته که معانی مختلف یک واژه یا عبارت باید به معنای عامی که جامع آنهاست، برگردد تا بدین طریق، مناسبت الفاظ با یکدیگر رعایت گردد. مثلاً در عبارت «اتق الاسد و الحمار»، می‌توان اسد را به دو معنای شیر و انسان شجاع، و حمار را به دو معنای الاغ و انسان کندذهن معنا کرد؛ زیرا این دو واژه در واقع به معنای حیوان شجاع و حیوان کندذهن است و هر یک از شیر و انسان یا الاغ و انسان، مصداقی از این دو معنای عام می‌باشد. (راغب، ۱۴۰۵: ۱۰۰)

۴. دیدگاه‌های مطرح در باب چندمعنایی الفاظ قرآن

از مباحث مهم مربوط به چندمعنایی، گونه‌های آن است. بحث درباره گونه‌های چندمعنایی از نگاه بیشتر محققان و مفسران مغفول مانده و آنان اغلب به اصل چندمعنایی و جواز یا عدم جواز آن پرداخته، نمونه‌هایی را برای آن ذکر کرده‌اند. اما به نظر، راغب با اینکه از نخستین نظریه‌پردازان در این موضوع است، گونه‌های مختلف چندمعنایی را از نگاه عمیق‌تری مورد توجه قرار داده است. از آنجا که آشنایی با دیدگاه‌های دانشمندان پس از وی درباره جواز چندمعنایی به درک دقیق‌تری از دیدگاه راغب در زمینه گونه‌های چندمعنایی می‌انجامد، لازم است پیش از معرفی گونه‌ها، دیدگاه‌های اصولیان در این باره را مرور کنیم.

زرکشی (۷۹۴ق) از اصولیان اهل سنت و صاحب معالم (۱۰۱۱ق) از اصولیان شیعه، درباره جواز چندمعنایی در کلمات دیدگاه‌های زیر را نقل کرده‌اند:

- ۱- جواز چندمعنایی به‌طور مطلق در همه کلمات. این دیدگاه از سوی بسیاری از معتقدان به چندمعنایی، از جمله این دو محقق پذیرفته شده است.
- ۲- بعضی دیگر چندمعنایی در سیاق جمله‌های منفی را جایز دانسته و به عدم جواز آن در سیاق جمله‌های مثبت گرایش یافته‌اند.
- ۳- برخی دیگر به چندمعنایی در کلمات جمع و تشبیه معتقد شده، اما در کلمات مفرد انکار کرده‌اند.
- ۴- برخی براین باورند که اگر میان معانی مختلف لفظ ارتباط وجود دارد، می‌توان لفظ را بر معانی متعدد حمل کرد و در صورت عدم ارتباط، چندمعنایی جایز نیست.
- ۵- گروه دیگر معتقدند اگر در جمله قرینه‌ای دال بر اراده چندمعنا از یک لفظ وجود داشته باشد، می‌توان آن لفظ را به چند معنایش تفسیر کرد و اگر قرینه وجود نداشته باشد، جایز نیست.
- ۶- گروهی نیز هرگونه چندمعنایی در لفظ مفرد، تشبیه و جمع، و جمله منفی و مثبت را انکار کرده‌اند.
- ۷- گروهی نیز قائل به توقف شده‌اند؛ یعنی معتقدند هر آیه‌ای از قرآن که قابلیت تفسیر به چند معنا دارد، اما قرینه‌ای بر تعیین یک معنایش وجود ندارد، مجمل بوده و ما مُجاز به تفسیر آن آیه به هیچ یک از معانی‌اش نیستیم. (زرکشی، ۱۴۱۴: ۱۳۱/۲؛ اعتمادی، ۱۳۷۷: ۲۱-۳۳؛ طیب‌حسینی، ۱۳۷۹: ۳۵-۴۵) تفاوت این دیدگاه با دیدگاه پیشین در این است که مطابق این دیدگاه، واژه به هیچ یک از معانی‌اش تفسیر نمی‌شود، اما مطابق دیدگاه ششم، واژه به یکی از معانی ظاهرترش تفسیر خواهد شد.

۵. گونه‌های چندمعنایی از نظر راغب

از نظر راغب، همین که شرایط چندمعنایی -آن‌گونه که گذشت- در کلمه یا عبارتی وجود داشته باشد، آن کلمه باید به چند معنایش تفسیر شود. از مباحث راغب درباره چندمعنایی و نمونه‌هایی که ذکر کرده، می‌توان گونه‌هایی از چندمعنایی برداشت کرد که مورد توجه و تأیید راغب بوده است. در یک دسته‌بندی می‌توان گفت که چندمعنایی یا در واژه‌های مفرد است، یا در جمله. چندمعنایی در واژگان مفرد^۴ نیز یا ناظر به معنای واژه، اعم از مفرد و تشبیه و جمع است، یا ناظر به صیغه و هیأت واژه. و چندمعنایی در



جمله هم یا در جمله‌های مثبت است، یا در جمله‌های منفی، و هر یک از این دو، یا ناظر به معنای ظاهری جمله است، و یا ناظر به معنای باطنی جمله.

۱-۵. چندمعنایی در واژه‌های مفرد

مقصود از مفرد در اینجا، در مقابل جمله است و شامل اسم و فعل و واژه‌های تنه و جمع و نیز صیغه و هیأت واژه می‌شود. چندمعنایی در واژه‌های مفرد گاه ناظر به معنای واژه، شامل واژه مفرد، تنه و جمع است، و گاه ناظر به معنای صیغه و هیأت واژه.

۱-۱-۵. چندمعنایی در واژه مفرد، ناظر به معنای واژه

یعنی واژه‌ای که در یک جمله به کار رفته، قابل تفسیر به چند معنای مختلف باشد. راغب در سرتاسر دو کتاب تفسیر و مفرداتش، نمونه‌های مختلفی برای این قسم مثال زده و خبر می‌دهد که این نوع چندمعنایی در قرآن غیر قابل شمارش است. از جمله واژه «أَغْنَى» در سوره ضحی که آن را به دو معنای غنای نفس و قناعت که شخص با داشتن آن، احساس کمبود و نیاز به آنچه دیگران دارند نمی‌کند، و هم دارایی و مال به قدر کفایت، تفسیر کرده است. (راغب، ۱۴۰۵: ۱۰۰) یا واژه «عَرَفَ» در آیه «وَيَدْخُلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ» (محمد: ۶) که آن را به دو معنا تفسیر کرده است: ۱- برای آنها آراسته و خوش قرار داده است (طَيِّبَهَا وَ زَيَّنَّهَا)، ۲- به آنها شناسانده است (وصفها لهم و شَوْقَهُم إِلَيْهَا وَ هَدَاهُم إِلَيْهِ). (همو، ۱۴۱۲: ۵۶۱) از دیگر نمونه‌ها، آیه «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ» (اسراء: ۴۴) است که شامل تسبیح انسان و غیر انسان می‌شود و تسبیح انسان با زبان و فعل است، اما تسبیح جمادات با غیر زبان، و خداوند هر دو نوع تسبیح را با یک لفظ بیان داشته است. (همو، ۱۴۰۵: ۱۰۰)

۲-۱-۵. چندمعنایی در واژه‌های تنه و جمع، ناظر به معنای واژه

هنگامی که چندمعنایی در کلمات مفرد روا و جایز باشد، در کلمات تنه و جمع به طریق اولی جایز است و نمونه‌های روشنی هم در زبان عربی و قرآن برای آن قابل ذکر است. از جمله نمونه‌های قرآنی آن این است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» (طلاق: ۱). به نظر راغب، مقصود از ضمیر جمع «طلقتن»، هم شخص پیامبر است که در ابتدای آیه به ایشان خطاب کرده، و هم سایر مؤمنان، و این از باب چندمعنایی است. خطاب آیه شریفه به پیامبر است، اما شامل دیگران هم می‌شود. (همان، ۹۸)

راغب به گونه دیگری از چندمعنایی نیز اشاره می‌کند که زیرمجموعه همین مورد به‌شمار می‌آید. از نظر وی، همه مواردی که قرآن کریم درباره دو گروه از انسان‌ها یک صیغه مشترک به‌کار برده که حکم هر گروه متفاوت از دیگری باشد، از مصادیق چندمعنایی می‌باشد. مثال راغب صیغه‌های مذکر در قرآن است که به همه مؤمنان، اعم از مردان و زنان خطاب شده است. مثلاً هنگامی که در خطاب به مردان و زنان گفته شود: «إفْعَلُوا»، یعنی فلان کار را انجام دهید، این خطاب هم شامل مردان می‌شود و هم شامل زنان. (همان) اما این دست مثال قابل مناقشه است؛ زیرا خطاب‌های مشترک به مردان و زنان حقیقتاً دو معنای مختلف به‌شمار نمی‌آید تا از مصادیق چندمعنایی باشد. اما می‌توان نمونه‌های مناسب‌تری برای دیدگاه راغب شاهد آورد. برای نمونه -که در شمار آرایه بدیعی لف و نشر قرار گرفته- آیه ۱۳۵ بقره قابل توجه است: «وَقَالُوا كُونُوا هُوداً أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا». در این آیه، ضمیر جمع «قالوا» به یهودیان و نصرانی‌ها به‌عنوان دو گروه مختلف از اهل کتاب برمی‌گردد، که هر یک باوری متفاوت با دیگری دارد. باور یهودیان این است که انسان‌ها برای هدایت شدن باید یهودی شوند، و باور نصرانی‌ها این است که مردم باید نصرانی شوند. بنابراین ضمیر «قالوا» در اینجا در دو معنای متفاوت به‌کار رفته است، و دلیل و قرینه این چندمعنایی، همین حکم متفاوت است که در ادامه آیه آمده است. نمونه دیگر خطاب «انکحوا» در آیه ۳۲ نور است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ». بستان درباره اینکه خطاب آیه شریفه منحصر به اولیای شرعی، یعنی پدر و جد نمی‌باشد، می‌نویسد: «به‌نظر می‌رسد این آیه به اولیای شرعی اختصاص ندارد و اولیای عرفی مانند عمو، دایی، برادر بزرگ‌تر و حتی مادر و خاله و عمه را نیز در صورتی که متکفل امر ازدواج پسر یا دختر جوان شوند، دربر می‌گیرد.» (بستان، ۱۳۹۹: ۸۵) روشن است که هر یک از ولی شرعی و ولی عرفی در امر ازدواج جوانان، به‌ویژه دختران جوان نقش و حکمی خاص، متفاوت از دیگری دارند و اگر خطاب آیه شریفه را شامل هر دو گروه، با دو حکم متفاوت بدانیم، در این صورت، گونه‌ای از چندمعنایی را در آیه شریفه پذیرفته‌ایم.

۳-۱-۵. چندمعنایی در صیغه و هیأت واژه‌ها

از دیگر گونه‌های چندمعنایی که راغب به آن توجه داشته، دلالت صیغه و هیأت افعال و اسم‌های مشتق بر چند معناست. هر فعل یا اسم مشتق دارای دو بخش ماده و هیأت (وزن) است که هر یک به‌طور مستقل، بر معنای خاصی دلالت می‌کند. مثلاً فعل امر «صَلِّ»



دو بخش دارد: یکی ماده صلاة که می‌تواند به معنای نماز، دعا و ... باشد، و دیگری صیغه و هیأت فعل امر که می‌تواند دلالت بر وجوب یا استحباب و ... داشته باشد. حال به نظر راغب، نه تنها ماده کلمات ممکن است از دلالت چندمعنا برخوردار باشد، بلکه گاه صرف نظر از ماده، صیغه و هیأت کلمات نیز ممکن است در یک عبارت دارای چندمعنا باشد.

وی در باب شرایط چندمعنایی می‌نویسد: «زمانی که دو معنای مختلف واژه با یکدیگر غیر قابل جمع باشد، چندمعنایی جایز نیست، مثل آنکه گوینده بگوید: صلّ صلاة واحدة، یک نماز به جا آور، و مقصودش این باشد که این یک نماز، هم نماز واجب باشد و هم نماز مستحب، این غیر ممکن است.» از این سخن راغب به دست می‌آید که اگر قید «واحدة» از عبارت فوق حذف شود، جمع دو نماز واجب و مستحب ناممکن نیست و عبارتی مانند «صلّ» می‌تواند همزمان، هم بر نماز واجب و هم بر نماز مستحب دلالت کند. نمونه مشابه قرآنی آن صیغه امر «فاغسلوا» در آیه ۶ مائده است که هم بر وجوب وضو دلالت می‌کند برای افرادی که از خواب برای نماز برمی‌خیزند یا فاقد طهارت‌اند، و هم بر استحباب وضو هنگام قیام برای نماز دلالت دارد برای آنان که واجد طهارت وضو هستند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۳/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۲/۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۸۰/۶) یا واژه «مفتون» در آیه «يَا أَيُّهَا الْمَفْتُونُ» (قلم: ۶) که مشترک بین اسم مفعول و مصدر است و به هر دو معنا هم تفسیر شده است. (راغب، ۱۴۱۲: ۶۲۳)

نیز به نظر برخی فقها، فعل امر در آیه «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ» (نور: ۳۲) ریال هم موارد استحبابی ازدواج، و هم مواردی را که به دلایلی مانند خوف وقوع شخص در گناه، تزویج واجب می‌شود، شامل می‌گردد (بستان، ۱۳۹۹: ۸۱) به نظر محقق یادشده، همه آیاتی که از عالمان دینی خواسته احکام گوناگون را به مردم تعلیم دهند، این دستورات در مورد احکام الزامی جنبه وجوبی، و در مورد احکام غیرالزامی جنبه استحبابی دارد. (همان، ۳۸) مطابق این برداشت، بسیاری از آیات الاحکامی که در قالب صیغه امر بیان شده، دلالت بر چند معنا دارد.

۲-۵. چندمعنایی در جمله

مقصود از چندمعنایی در جمله آن است که مجموع جمله به صورت ترکیبی بر چند معنا دلالت می‌کند. چندمعنایی در جمله ممکن است در جمله مثبت یا منفی باشد، و هر یک از این دو یا ناظر به معنای ظاهری جمله است، یا معنای باطنی آن، که مجموع چهار

قسم می‌شود. به‌منظور پرهیز از تکرار، مباحث چندمعنایی در جمله در قالب سه قسم معرفی می‌شود، و در بخش چندمعنایی در معانی باطنی، هر دو گونه جمله‌های مثبت و منفی مورد نظر می‌باشد.

۵-۲-۱. چندمعنایی در جمله‌های مثبت

راغب علاوه بر طرح مسأله چندمعنایی در کلمات قرآن، مسأله چندمعنایی در عبارت و جمله‌های قرآن را نیز مطرح کرده است. اگرچه جمله به‌طور مطلق، شامل جمله‌های مثبت و منفی، هردو می‌شود، اما از آنجا که برخی اصولیان چندمعنایی در جمله‌های منفی را پذیرفته و منکر چندمعنایی در جمله‌های مثبت هستند، از این گونه چندمعنایی، با قید مثبت یاد کردیم.

از جمله عبارت‌های چندمعنا، عبارت «وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُمْ سِرًّا» (بقره: ۲۳۵) است. این عبارت شریف چند گونه معنا شده است: ۱- به آنها (زنان شوهرمرده که عده‌شان سپری نشده، در زمان عده) اظهار تمایل به ازدواج نکنید (از ابن عباس، ابن جبیر، شعبی و مجاهد)، ۲- با آنها زنا نکنید (از حسن و جابر)، ۳- در زمان عده، آنها را به عقد ازدواج خود در نیاورید (از زیدبن اسلم). به نظر راغب، عبارت یادشده همه این معانی و احتمالات را نهی می‌کند. (بسیونی غراب، ۱۴۲۰: ۴۸۸)

۵-۲-۲. چندمعنایی در جمله‌های منفی

از نظر برخی اصولیان، چندمعنایی در جمله‌های مثبت جایز نیست، اما در جمله‌های منفی جایز است. بنابراین می‌توان گفت اگر کسی به چندمعنایی در جمله‌های مثبت باور داشته باشد، به طریق اولی در جمله‌های منفی نیز آن را می‌پذیرد، اما عکس آن صحیح نیست. از مثال‌هایی که راغب برای چندمعنایی زده، به‌دست می‌آید که وی یکی از گونه‌های چندمعنایی را در جمله‌های منفی دیده است. مثلاً در رابطه با عبارت «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»، دو وجه معنایی گفته شده که حاکی از دو دیدگاه متفاوت است. اول اینکه آیه از اسراف در انفاق و سستی در اقدام به جهاد نهی می‌کند. دوم آنکه آیه از بخل ورزیدن در هزینه کردن مال و ترک جهاد نهی می‌کند. هر دو معنا از آیه اراده شده است؛ زیرا مؤمنان همان‌گونه که از زیاده‌روی در انفاق و سستی در اقدام به جهاد نهی شده‌اند، از بخل‌ورزی و تهور غیر هوشمندانه در جهاد که موجب تلفات زیاد می‌شود نیز نهی شده‌اند. شاهد این جمع دو آیه زیر است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ



قَوَامًا» (فرقان: ۶۷)، و «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء: ۲۹). (بسیونی غراب، ۱۴۲۰: ۴۱۰)

۵-۲-۳. چندمعنایی در معانی ظاهری و باطنی

راغب یکی از دلایل چندمعنایی یا جواز تفسیر کلمات مشترک به همه معانی اش را روایات دال بر ظاهر و باطن داشتن قرآن دانسته، می‌نویسد: «این روایات ما را به کثرت معانی مندرج در الفاظ قرآن توجه می‌دهد.» (راغب، ۱۴۰۵: ۱۰۱) از این استدلال راغب به‌دست می‌آید که وی معانی باطنی قرآن را در کنار معانی ظاهری آیات، از مصادیق چندمعنایی می‌شمارد. در اینجا راغب هیچ معنایی از معنای باطنی به‌دست نداده، اما از جمله نمونه‌هایی که برای این مورد می‌توان ذکر کرد، واژه «رَزَقْنَا» در آیه «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُثْقُونَ» (بقره: ۳) است که آن را اعم روزی مادی که انسان می‌خورد، و علم و معرفت دانسته است. وی می‌نویسد: ««رزق» واژه‌ای مشترک است به معنای بخشش جاری، نصیب، غذایی که می‌خورند، و در آیه شریفه از نظر عموم به همین معنای غذای مباح است، اما از نظر خواص می‌تواند نعمت‌های باطنی و ظاهری مانند علم و قدرت و مقام و مال را شامل شود، زیرا همه اینها مشمول انفاق می‌شود، از همین رو بعضی از محققان آیه شریفه را چنین تفسیر کرده‌اند: و از انوار معرفتی که آنها را از آن برخوردار ساختیم به دیگران می‌بخشند.» (راغب، ۱۴۰۵: ۱۵۷)

راغب می‌نویسد: «اگر کسی اشکال کند که این صحیح نیست که گوینده با یک عبارت، هم معنای اصلی اش را اراده کند، و هم در همان حال از معنای اصلی صرف نظر کرده، معنای دیگری از آن قصد کند؛ زیرا این دو معنا اگر هر دو باهم مقصود باشند، دچار تضاد می‌شوند.» سپس خود به این اشکال چنین پاسخ می‌دهد: «از آنجا که لفظ نشانه معناست، بنابراین می‌توان از یک واژه به‌طور همزمان دو معنای اصلی و غیراصلی اش را اراده کرد و هیچ‌گونه تضادی هم پیش نمی‌آید.» (همان، ۹۸-۱۰۱)

راغب همچنین برای اراده دو معنا از یک عبارت یک شرط بیان کرده می‌نویسد: «هیچ لفظی در دو معنا -خواه دو معنای حقیقی یا دو معنای مجازی و یا یک معنای حقیقی و یک معنای مجازی- به کار نمی‌رود، مگر آنکه بتوان معنای عام و جامعی را میان آن دو معنا که هریک از آن دو معنا مصداقی از آن معنای جامع باشد، در نظر گرفت، مثل اینکه کسی به شما بگوید: «إِتَّقِ الْإِسْدَ وَالْحِمَارَ» و مقصودش از اسد، حیوانی شجاع و پرجرات،

و مقصودش از حمار، حیوانی کندذهن باشد، و این دو وصف پرجراتی و کندذهنی هم در چارپایان است، هم انسان‌ها.» (همان)

۶. دلایل جواز چندمعنایی از نظر راغب

باورمندان به چندمعنایی در کلمات قرآن، برای دیدگاه خود دلایل متعددی از قرآن و حدیث و شواهد زبانی و دلایل عقلایی ذکر کرده‌اند. (برای آگاهی از این دلایل نک: طیب‌حسینی، ۱۳۸۹: ۱۷۱-۱۸۶؛ شاکر، ۱۳۸۹: ۷-۱۴؛ صادقی فدکی، ۱۳۹۰: ۷۲-۸۳) اما راغب در اوایل قرن پنجم برای مدعای خود به سه دلیل شواهد زبان، آیات قرآن و حدیث تمسک کرده است. دلایل راغب از این قرار است:

۶-۱. شواهد زبانی

نخستین و مهم‌ترین دلیل چندمعنایی، وجود شواهد زبانی فراوان در یک زبان است. به همین دلیل، برخی اصولیان معاصر بهترین دلیل جواز چندمعنایی را وقوع آن در زبان، به‌ویژه زبان ادبی ذکر کرده و از هرگونه بحث و استدلال دیگری مبنی بر جواز آن و یا رد و نقد دلایل منکران چندمعنایی بی‌نیاز دانسته‌اند. (نجفی، بی‌تا: ۶۰۹ به بعد؛ سیستانی، ۱۴۱۴: ۱۸۹-۱۹۵) راغب در توضیح این دلیل می‌نویسد: «دلیل بر جواز اراده دو معنا از عبارت واحد این است که عرب می‌گوید: «إفعلوا» و با این جمله، هم‌زمان به مردان و زنان خطاب می‌کند، یا مردان و زنان را در عبارت جمع کرده و برای هر دو یک فعل کار برده، می‌گوید: «الرجال والنساء عملوا»، و این عبارت برای مردان حقیقت و برای زنان مجاز است. شاعر نیز گفته است:

ثقالُ الجفانِ والحلومِ رحاهم
 در این شعر، شاعر هم دیگ‌های بزرگ و هم خواب‌ها را به سنگینی وصف کرده، با این تفاوت که دیگ‌ها حقیقتاً سنگین‌اند و خواب‌ها مجازاً، اما هر دو را با یک لفظ (ثقال) آورده است. شاعر دیگری گفته است:

«و ماءِ آجِنِ الجماتِ قَفَرٍ» یعنی: و آب گندیده و بدبوی سرزمین بی‌آب و علف.
 در این مصرع شاعر لفظ «ماء» را به‌کار برده و از آن هم آب را قصد کرده، به قرینه «آجن=بدبو»، و هم محل آب را، به قرینه «قفر=سرزمین بی‌آب و علف». در زبان عرب نیز گاه از مکان آب به «ماء» تعبیر می‌شود. (راغب، ۱۴۰۵: ۱۵۷)



این بیت از نمونه‌های استخدام (یکی از آرایه‌های بدیع) است که از اصلی‌ترین و شایع‌ترین دلایل چندمعنایی الفاظ در زبان عربی است. (برای آگاهی از استخدام و دلالت آن بر چندمعنایی و نمونه‌های قرآنی آن نک: معرفت، بی‌تا: ۴۸۸/۵-۴۹۱؛ طیب‌حسینی، ۱۳۸۹: ۱۸۲-۱۸۵)

ابن هرمه (د۱۷۶ق) شاعر نیز گفته است: «وَالْحَوْتُ يَسْبُحُ فِي السَّمَاءِ كَسَبْحِهِ فِي الْمَاءِ»؛ «و حوت (برج دوازدهم) در آسمان همانند شناکردنش در دریا، شنا می‌کند.» در این بیت به حوت، دو شناوری نسبت داده: یکی شناوری در آسمان، و دیگری در دریا، و روشن است که حوتی که در آسمان شناور است (برجی در آسمان)، غیر از حوتی است که در دریا شنا می‌کند. نیز عرب می‌گوید: «قمران» و مقصودش خورشید و ماه است، که البته اطلاق قمر بر خورشید مجاز است. (راغب، ۱۴۰۵: ۹۸-۹۹) این شواهد در زبان عربی، دلیل جواز تفسیر یک واژه در یک متن به معانی متعدد و مختلف است.

۲-۶. آیات قرآن

دلیل دیگر راغب برای جواز چندمعنایی، آیات قرآن است. وی برای اثبات مدعایش، به آیه ۲۷ لقمان استناد کرده می‌نویسد: «خداوند نظر به کثرت معانی مجتمع در کلمات و عبارات قرآن فرموده است: «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

«کلمات الله» در این آیه شریفه دارای معنایی عام بوده و شامل هر موجودی می‌شود. (مکارم، ۱۳۷۱: ۷۶/۱۷) مطابق این استدلال، راغب کلمات را شامل معانی آیات قرآن نیز دانسته، نتیجه می‌گیرد که معانی مندرج در آیات و الفاظ محدود قرآن پایان‌ناپذیر است، و این جز از مجرای چندمعنایی الفاظ قرآن امکان‌پذیر نیست. صادقی برای امکان و جواز چندمعنایی، به آیات دیگری استناد کرده که دلالت آنها بر جواز چندمعنایی ناتمام به نظر می‌رسد. (صادقی فدکی، ۱۳۹۱: ۷۷)

۳-۶. روایات

چنان‌که اشاره شد، راغب یکی از دلایل جواز تفسیر کلمات مشترک به همه معانی‌اش را روایات دال بر ظاهر و باطن داشتن قرآن دانسته است. وی با اشاره به وجود روایات ظاهر و باطن می‌نویسد: «در خبر آمده است که هر حرفی از قرآن ظاهر و بطنی دارد و

برای هر حرفی از قرآن حدی و مطلعی است. این روایت و نظائر آن ما را به کثرت معانی مندرج در تک تک الفاظ قرآن توجه می‌دهد.» (راغب، ۱۴۰۵: ۱۰۱) وجود معانی باطنی در کنار معانی ظاهری برای قرآن، مفاد روایات متعددی است که مفسران شیعه و اهل سنت از پیامبر و سایر معصومان علیهم‌السلام نقل کرده‌اند. (برای آگاهی از این روایات نک: عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۰/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵۹/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۹/۲) به نظر راغب، این روایات یکی از ادله جواز اراده معانی متعدد از الفاظ و عبارات قرآن کریم در مقام تفسیر است.

نتیجه‌گیری

بررسی دیدگاه راغب اصفهانی در باب چندمعنایی در کلمات قرآن، یا جواز اراده دومعنا و بیشتر با یک عبارت، نشان می‌دهد که راغب با اینکه متعلق به اوایل قرن پنجم قمری بوده، اما مبسوط‌ترین و جامع‌ترین دیدگاه را در باب چندمعنایی کلمات قرآن بیان داشته و علاوه بر اشاره به مبانی این بحث، شرایط جواز چندمعنایی، گونه‌های چندمعنایی و دلایل آن را نیز به اشاره و اجمال بیان داشته است. در بخش مبانی، به مبانی زبان‌شناختی چندمعنایی، معیار تعدد معنا و ویژگی‌های مخاطب و مخاطب سخن توجه کرده. در بخش شرایط، عدم تنافی و ناسازگاری در جمع معانی متعدد و وجود رابطه میان معانی متعدد را شرط چندمعنایی شمرده. در مورد گونه‌ها، چندمعنایی را هم در کلمات مفرد و عبارت روا دانسته، و هم در سیاق‌های مثبت و منفی، و هم در کلمات مفرد، تشبیه و جمع. در بخش دلایل، وی به فرهنگ عرب، آیات قرآن و روایات استناد کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- این کتاب با همین نام، به نام خطیب اسکافی منتشر شده و در دسترس قرار دارد. برخی محققان معتقدند که این کتاب متعلق به راغب اصفهانی است. (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۰۵: مقدمه محقق، ۲۰)

۲- راغب در مقدمه کتاب مفرداتش وعده داده است که اگر بعد از تألیف کتاب مفردات فرصت پیدا کند، این کتاب را تألیف خواهد کرد، اما از اینکه بعداً موفق به تألیف این کتاب شده یا نه، خبری در دست نیست.



۳- از مبرد نقل شده که گفته «لَمَسْتُم» کنایه از آمیزش و «لَامَسْتُم» کنایه از بوسیدن به کار می‌رود، زیرا این فعل دال بر مشارکت است، و بوسیدن دوطرفی است، اما آمیزش به زعم آنها فقط از طرف مرد است. (ابن العربی، ۱۴۰۸: ۱/۴۴۴) اما سخن مبرد مخدوش است؛ زیرا در آمیزش نیز طرفین مشارکت دارند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۲/۳)

۴- گفتنی است که مفرد دارای دو معناست: گاه مفرد در مقابل جمله به کار می‌رود، و گاه در مقابل تثنیه و جمع. در مورد نخست، مقصود از مفرد در مقابل جمله و در مورد دوم در مقابل تثنیه و جمع است.

فهرست منابع

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم (بی‌تا)، کفایة الاصول، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، بی‌تا.
۲. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴. ابن اثیر، ضیاء الدین (بی‌تا)، المثل السائر، بی‌جا: دارنهضة مصر للطبع والنشر.
۵. ابن عربی، محمدبن عبدالله (۱۴۰۸ق)، احکام القرآن، بیروت: دارالجیل.
۶. احمدنژاد، امیر (۱۳۹۴)، بررسی روش تفسیری راغب اصفهانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. اعتمادی، شیخ مصطفی (۱۳۷۷)، شرح معالم الدین فی الاصول، قم: مکتبة المصطفوی.
۸. امدادی، علی اصغر؛ بدخشان، ابراهیم؛ دهقان، مسعود (۱۴۰۰)، «بررسی چندمعنایی واژگان قرآن کریم بر مبنای رویکرد معناشناسی واژگانی شناختی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، شماره ۲۱، ص ۱۹۹-۲۲۳.
۹. اندلسی، ابوحیان (۱۴۲۰ق)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.
۱۰. ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۹۳)، «راغب اصفهانی قرآن‌پژوه و مفسر قرآن»، دوفصلنامه مطالعات روش‌شناسی دینی، سال اول، شماره ۱، ص ۱۰-۳۴.
۱۱. باطنی، محمدرضا (۱۳۷۳)، زبان و تفکر، تهران: نشر آگاه.
۱۲. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه البعثة.
۱۳. بروجردی، محمدتقی (۱۳۶۴)، نهاية الافکار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۴. بستان، حسین (۱۳۹۹)، فقه عفاف جنسی، فقه اجتماعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. بسیونی غراب، محمد عبدالعزیز (۱۴۲۰ق)، منهج الراغب الاصفهانی فی التفسیر مع تحقیق مقدمته و تفسیره لسورتي الفاتحة و البقرة، رسالة دکتري، جامعة طنطا، كلية الآداب، قسم اللغة العربية.
۱۶. بغوی، حسین بن مسعود فراء (۱۴۲۲ق)، تفسیر البغوی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۷. تهانوی، محمدعلی (بی‌تا)، کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت: مکتبة لبنان ناشرون.
۱۸. ثعلبی، احمدبن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۵ق)، مقدمه جامع التفاسیر، کویت: دارالدعوه.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۲۲. زرکشی، بدرالدین محمد عبدالله (۱۴۰۸ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. زرکشی، بدرالدین محمد عبدالله (۱۴۱۴ق)، البحر المحیط، بی جا: دارالکتب.
۲۴. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتاب العربی.
۲۵. ساریسی، عمر عبدالرحمن (۱۴۰۷ق)، الراغب الاصفهانی و جهوده فی اللغة و الادب، عمان-اردن: مكتبة الاقصی.
۲۶. سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۷)، معنا، صدق، واقع، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۷. سیبویه (۱۴۱۰ق)، الکتاب، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۸. سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۴ق)، الرافد، تقرير السيد منير السيد عدنان القطيفي، قم: مكتب السيد السيستاني.
۲۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۳۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی.
۳۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (بی تا)، المزهرة فی علوم اللغة و انواعها، بی جا: داراحیاء الکتب العربیه.
۳۲. شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۷)، «مدل های چندمعنایی در تفسیر قرآن و کتاب مقدس»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال دهم، شماره دوم، ص ۴۰-۵.
۳۳. صادقی فلدکی، سیدجعفر (۱۳۹۰)، «بررسی و نقد دیدگاه های چندمعنایی قرآن کریم»، اندیشه نوین دینی، شماره ۲۴، ص ۶۱-۸۶.
۳۴. صفوی، کورش (۱۳۷۹)، درآمدی بر معنی شناسی، تهران: حوزه هنری.
۳۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۵۳)، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۱ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۸. طیب حسینی، سید محمود (۱۳۸۸)، چندمعنایی در قرآن کریم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۹. طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۰)، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۰. عبدالتواب، رمضان (۱۳۶۷)، مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۴۱۱ق)، تفسیر العیاشی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۴۲. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (بی تا)، المستصفی من علم الاصول، بی جا: دارالفکر.
۴۳. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۲ق)، المحصول فی علم اصول الفقه، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۴۴. فرشچیان، رضا؛ محسنی نیا، ناصر (۱۳۸۶)، «سیمای امام علی علیه السلام در مفردات راغب اصفهانی»، پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی، سال اول، شماره ۱، ص ۱۸۹-۲۰۴.



۴۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: مكتبة الصدر.
۴۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لاحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۴۷. قزوینی، محمد صالح (بی تا)، نوادر ترجمه كتاب محاضرات الادبا و محاورات الشعراء والبلغاء، بی جا: بی نا.
۴۸. کیا هراسی، علی بن محمد (۱۴۲۲ق)، احكام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۰. معرفت، محمد هادی (بی تا)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۶۹)، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۵۲. مهدوی راد، محمد علی (۱۳۸۴)، سیر نگارش های علوم قرآنی، تهران: هستی نما.
۵۳. میرلوحی فلاورجانی، سید علی (۱۳۵۳)، شرح حال راغب اصفهانی و تحقیق در آثار او، رساله دکتری، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران.
۵۴. نجفی اصفهانی، محمدرضا (بی تا)، وقایع الاذهان، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۵۵. نهیرات، احمد؛ محمدیان، عباد (۱۳۹۲)، «نگرشی به نظام چندمعنایی در قرآن کریم»، پژوهش های زبان شناختی قرآن، شماره ۴، ص ۱۱۹-۱۳۷.
۵۶. واعظی، احمد (۱۳۹۰)، نظریه تفسیر متن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی